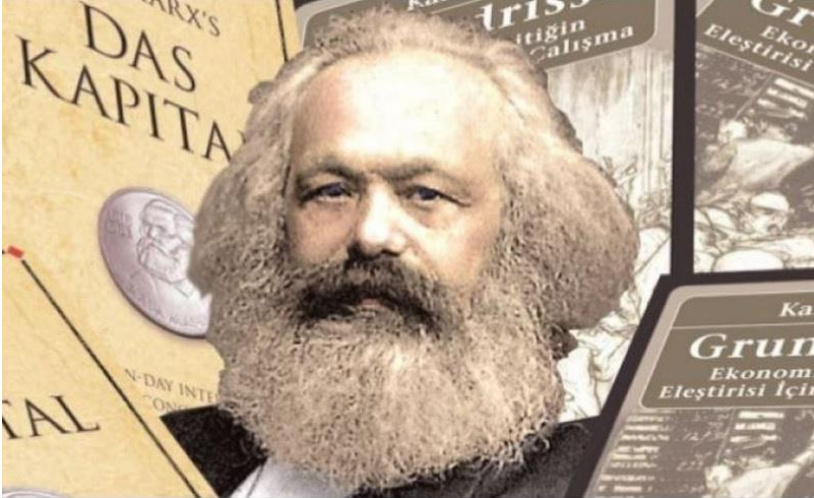


از «گروندریسه» تا «کاپیتال» فرایند تحول طرح «نقد اقتصاد سیاسی»

علی رها



نگارش اثری که به گروندریسه شهرت یافته است، تا ماه مه سال ۱۸۵۸ ادامه می‌یابد. فوران خودانگیختگی ذهن خلاق مارکس، علی‌رغم چند هفته بیماری، ظرف ۸ ماه، ۸۰۰ صفحه را به قلم می‌کشد. مارکس در مقدمه‌ی معروف و ناتمام این اثر، یک طرح بسیار عظیم، گسترده و عام درباره‌ی نقد اقتصاد سیاسی ترسیم می‌کند:

«(۱) تعینات عام و انتزاعی که کمابیش مصداق کلیه‌ی صورتبندی‌های اجتماعی است، اما در معنایی که در بالا توضیح داده شد.

(۲) مقولاتی که ساختار درونی جامعه‌ی بورژوازی را شکل می‌دهند، و بر پایه‌ی آنها طبقات اساسی استوار هستند. سرمایه، کار دستمزدی، مالکیت ارضی، رابطه‌ی درونی آنها. شهر و روستا. سه طبقه‌ی عظیم اجتماعی. مبادله بین آنها. گردش. نظام اعتباری (خصوصی)

(۳) تراکم جامعه‌ی بورژوازی در شکل دولت. از نظرگاه رابطه‌ی آن با خود. طبقات غیر مولد! مالیات‌ها. قرض دولتی. اعتبار عمومی. جمعیت. مستعمرات. مهاجرت.

(۴) روابط بین‌المللی تولید. تقسیم کار بین‌المللی. تجارت بین‌المللی. صادرات و واردات. نرخ مبادله. (۵) بازار جهانی و بحران.» (ص. ۱۰۸)

این نخستین و نیز آخرین باری است که مارکس به چنین طرحی اشاره می‌کند. بدیهی است که این پنج موضوع که هرکدام در خود شامل موضوعاتی گوناگون است، طرح عامی کمابیش مبهم است که صرفاً ترتیب پیشروی در بازنمایی نقد اقتصاد سیاسی را نشان می‌دهد. همان‌طور که مارکس چندی بعد در پیش‌گفتار سهمی بر نقد اقتصاد سیاسی توضیح می‌دهد: «مقدمه‌ای کلی که پیش‌تر ترسیم کرده بودم، حذف شده است، چراکه پس از بررسی بیشتر، به نظرم پیش‌بینی نتایجی که هنوز باید اثبات شوند، گیج‌کننده است، و خواننده‌ای که می‌خواهد کار من را دنبال کند، باید مصمم گردد که راه خود را از خاص به عام بازکند.» (مجموعه‌ی آثار، از این پس آثار، ۲۸:۲۶۱)

سطور پایانی گروندریسه، قطعه‌ای است زیر عنوان «ارزش». مارکس در آنجا خاطر نشان می‌کند که «این قسمت به جلو آورده شود.» (ص. ۸۸۰) نخستین جمله‌ی این قطعه بسیار گویاست: «نخستین مقوله‌ای که ثروت بورژوازی خود را در آن نمادین می‌کند، همانا کالا است.» (همان) از این‌رو، نقطه‌ی پایانی این پژوهش گسترده، سپس به نقطه‌ی شروع طرح بعدی تبدیل می‌شود. در گرماگرم نگارش گروندریسه، مارکس

از «گروندریسه» تا «کاپیتال»

تصمیم می‌گیرد که نتایج تحقیقات خود را در اثری جداگانه منتشر کند؛ اثری که دو سال بعد دو فصل از سه فصل آن در ژوئن ۱۸۵۹ در برلین زیر عنوان سهمی بر نقد *اقتصاد سیاسی* از چاپ خارج می‌شود. مارکس در ۲۲ فوریه ۱۸۵۸، یعنی هنگامی که کماکان در حال نگارش *گروندریسه* بود، در نامه‌ای به لاسال اطلاع می‌دهد که «در واقع من چند ماهی است که مشغول مراحل نهایی اقتصاد سیاسی‌ام هستم.» (آثار، ۴۰:۲۷۰) مارکس موضوع این اثر را «نقد مقولات اقتصادی، یا ترجیحاً، افشای نقادانه‌ی اقتصاد بورژوازی» اعلام می‌کند. (همان)

طرح دوم: ۱۸۵۹-۱۸۵۸

در همان نامه‌ی بسیار معروف است که مارکس نه فقط از مضامین سهمی بر نقد *اقتصاد سیاسی* (از این پس نقد) پرده برداری می‌کند، بلکه طرح کلی **۹ کتاب**^۴ را به شرح زیر ارائه می‌دهد: «کل آن به ۶ کتاب تقسیم شده است: ۱. پیرامون سرمایه (شامل **فصل‌هایی** مقدماتی)؛ ۲. پیرامون مالکیت ارضی؛ ۳. پیرامون کار دستمزدی؛ ۴. در باره‌ی دولت؛ ۵. تجارت بین‌المللی؛ ۶. بازار جهانی.» سپس ادامه می‌دهد که «البته من نمی‌توانم از نقد کلیه‌ی اقتصاددانان اجتناب کنم، به‌ویژه، جدلی علیه ریکاردو، چراکه حتی او نیز از آن‌جا که بورژواست، حتی از **نظرگاه اقتصادی** صرف نیز مرتکب خطا می‌شود. اما به طور کلی، نقد و تاریخ اقتصاد سیاسی و سوسیالیسم، موضوع اثری دیگر را شکل می‌دهد، و سرانجام، **رئوس تاریخ** مختصر تکوین مقولات و روابط اقتصادی هم یک [کتاب] سوم است.» (همان)

۲۰ روز بعد، در ۱۱ مارس، مارکس در نامه‌ای به انگلس مختصات اثری که تقریباً آماده‌ی انتشار است را به شرح زیر توضیح می‌دهد: «۱. ارزش؛ ۲. پول؛ ۳. سرمایه‌ی

^۴ ضرورت تأکید بر ۹ کتاب به‌ویژه از آنروست که اغلب مارکس‌پژوهان به ۶ کتابی که مارکس به آن اشاره می‌کند بسنده کرده‌اند و ۳ کتاب دیگر و چگونگی ترکیب آنها در طرح نهایی مارکس مورد بررسی دقیق قرار نگرفته است. شاید چون خود مارکس در نامه‌های بعدی دیگر به آن ۳ کتاب اشاره‌ای نمی‌کند، یکی از دلایل اصلی سکوت در باره‌ی آنها باشد.

عام (فرایند تولید سرمایه؛ فرایند گردش آن؛ وحدت آن دو، یا سرمایه و سود؛ بهره).»
 مارکس در ادامه‌ی این نامه، کل طرح خود را به شش کتاب تقسیم می‌کند، و اضافه
 می‌کند که سه کتاب اول «شامل رئوس واقعی استدلال‌های اقتصادی است.» (آثار،
 ۲۸۷:۴۰) ۲۱ روز بعد، در نامه‌ی بسیار مفصل دیگری به انگلس در دوم آوریل ۱۸۵۸،
 با برشمردن مجدد همان ۶ کتاب، اظهار می‌کند که «آنچه در زیر می‌آید، **رئوس
 مختصر بخش نخست است.**» سپس در چندین صفحه، جزئیات کتاب اول، **سرمایه**،
 را به دقت تشریح می‌کند. (آثار، ۴۰:۳۰۴-۲۹۸)

«یکم، **سرمایه** به ۴ قسمت تقسیم می‌شود: ۱. **سرمایه‌ی عام** (این جوهر
 نخستین فقره [نقد] است)؛ ۲. **رقابت**، یا رابطه‌ی متقابل چندین سرمایه؛ ۳. **اعتبار**،
 که نشان داده می‌شود برخلاف سرمایه‌های شخصی، یک عنصر عام است؛ ۴. **سرمایه‌ی
 شراکتی** به همراه تضادهای آن، به عنوان کامل‌ترین شکل (گذار به کمونیسیم).» سپس
 خود آن قسمت، «سرمایه‌ی عام»، را به بخش‌های زیر تقسیم می‌کند: ۱. **ارزش**؛ ۲.
پول؛ ۳. **سرمایه**. مارکس دو بخش اول را به تفصیل توضیح می‌دهد اما به بخش سوم
 که می‌رسد، با اشاره به این که مهم‌ترین بخش است، می‌گوید از فرط ناخوشی نمی‌تواند
 به نوشتن ادامه بدهد و مشروح آن را به بعد موکول می‌کند. (همان) باید تکرار و تأکید
 کرد که مارکس در حین ارایه‌ی این طرح کلی، تا دو ماه بعد، یعنی اواسط ماه مه، نیز
 کماکان مشغول نگارش گروندریسه بود، ولی آن را ناتمام رها کرده و درگیر نگارش نقد
 می‌شود.

مارکس در ۲۹ نوامبر همان سال به انگلس گزارش می‌دهد که «همسرم در حال
 پاکت‌نویس کردن دست‌نوشته است... اکنون قسمت اول طولانی‌تر شده است، چراکه در
 پیش‌نویس خام اولیه، دو فصلی که **کالا** فصل اول آن است، وجود نداشت، درحالی که
 فصل دوم، **پول**، یا **گردش ساده**، صرفاً به خلاصه‌ترین وجه ترسیم شده بود، و اکنون
 از آنچه در طرح اولیه در نظر داشتیم، طولانی‌تر نوشته شده است.» (آثار، ۳۵۸:۴۰) به‌نظر
 می‌رسد که مارکس در این‌جا طرح نسبتاً تازه‌ای از کتاب اول ترسیم می‌کند. در این
 طرح جدید، **'کالا'** جایگزین **'ارزش'** شده است. او در ۱۵ ژانویه ۱۸۵۹ در نامه‌ای به
 انگلس می‌نویسد: «گرچه نام اثر **سرمایه‌ی عام** است، این قطعه‌ها هنوز شامل **هیچ**

چیز درباره‌ی موضوع سرمایه نمی‌شوند، بلکه به ۲ فصل ۱. کالا؛ ۲. پول یا گردش ساده، می‌پردازند. همانطور که ملاحظه می‌کنی، بخشی که به تفصیل پرداخته شده بود (در ماه مه که پیش تو اقامت گزیده بودم) اصلاً هنوز منتشر نخواهد شد. سپس نوید می‌دهد که فصل سوم، یعنی سرمایه، «به‌زودی به‌دنبال آن خواهد آمد.» (آثار، ۴۰:۳۶۸)

بدیهی است که نزد مارکس، نقد صرفاً گام نخستین در مسیر نگارش آن شش کتاب است. حتی یک سال بعد، درست پیش از انتشار دو فصل اول نقد، طرح انتشار شش کتاب هنوز در دستور کار است. او در اول فوریه‌ی ۱۸۵۹، در نامه‌ای به ویدامایر، کماکان طرح انتشار شش کتاب را به او معرفی می‌کند. (آثار، ۴۰:۳۷۶) سپس در ادامه‌ی نامه، وارد جزئیات دو فصل اول از «کتاب اول» می‌شود:

«فصل اول: کالا»

الف. یادداشت‌های تاریخی درباره‌ی تحلیل کالاها...

فصل دوم: پول یا گردش ساده

یکم. مقیاس ارزش

ب. نظریه‌های متعارف پول...

دوم. واسطه‌ی گردش

۱ - دگردیسی کالاها

۲ - گردش پول

۳ - سکه. نشان ارزش

سوم. پول

۱ - احتکار

۲ - وسیله‌ی پرداخت

۳ - پول جهانی

چهارم. فلزات گرانبها

ج. نظریه های واسطه‌ی گردش و پول...»

همان‌طور که از سطور بالا برمی‌آید، مارکس هنوز طرح روشنی از «کتاب اول» که به قول خودش دارای «انسجام درونی» باشد، ارایه نداده است. حتی طرح معینی از چگونگی پردازش «فصل سوم» نیز هنوز در دست نیست.

«فصل سوم» یا طرح سوم: ۱۸۶۱-۱۸۵۹

مارکس در ۲ اکتبر ۱۸۵۹ در نامه‌ای به لاسال، توضیح می‌دهد که پیش‌نویس مقدماتی «فصل سوم» را حوالی اکتبر ۵۸ به قلم کشیده است. اما «اکنون مجبورم به‌طور کل در آن تجدیدنظر کنم، چراکه یک‌سال از آن گذشته است، و شرایط فعلی به من اجازه نمی‌دهد که اکنون وقت زیادی روی آن صرف کنم. فکرکنم تا پیش از پایان دسامبر نتوانم آن را تمام کنم. حتی این تاریخ هم بسیار تقریبی است.» (آثار، ۴۹۸:۴۰) تا اوایل سال ۱۸۶۰، مارکس کماکان طرح «۶ کتاب» را در سر می‌پروراند، و در نامه‌ای به لاسال در ۳۰ ژانویه ۱۸۶۰، می‌گوید، فصل سوم، صرفاً بخش پایانی «کتاب اول» است. (آثار، ۴۱:۱۴) به هر حال، تا جایی که این نویسنده اطلاع دارد، از این تاریخ به بعد، دست‌کم در مکاتبات مارکس ظاهراً هیچ اثری از «۶ کتاب» به چشم نمی‌خورد. در ۱۶ سپتامبر همان سال، دوباره به لاسال اطلاع می‌دهد که «فکرکنم پاره‌ی دوم تا عید پاک [۶۱] منتشر شود. (آثار، ۴۱:۱۹۳)

مارکس تمام کوشش خود را برای اتمام همان «فصل سوم» نقد به‌کار می‌بندد. دست‌نوشته‌ی بسیار مهمی از مارکس به‌جای مانده است که پیش‌نویس مشروح طرح «فصل سوم» که هیچ‌گاه منتشر نگردید را ارایه می‌دهد؛ طرحی که سرانجام از یک فصل - «سرمایه‌ی عام» - به طرح سه کتاب، *کاپیتال*، اعتلا پیدا می‌کند، که به سهم خود ماجراهای متعددی را پشت سر می‌گذارد. تاریخ نگارش این طرح سال ۱۸۶۰ است، اما دقیقاً مشخص نیست که در چه ماهی نگاشته شده است. خطوط کلی این طرح که بالغ بر هفت صفحه است، نیازمند یک بررسی دقیق و جداگانه است. مارکس عنوان‌ها و زیرعنوان‌های اصلی آن را به‌روشنی از هم تفکیک نکرده است. اما اهم آنها به شرح زیر است:

۱ - فرایند تولید سرمایه^۵

یک: استحاله‌ی پول به سرمایه
سرمایه‌ی تجاری و سرمایه‌ی عام

دو: مبادله‌ی کالا و ظرفیت کار

مقابله‌ی کار مجرد با سرمایه

ارزش مبادله‌ی کار

شرایط تاریخی رابطه‌ی کار دستمزدی و سرمایه

ظرفیت کاری

کار میانگین

شرایط مبادله

سه: فرایند کار

چهار: فرایند ارزش‌افزایی

مفهوم عام ارزش اضافی

روزهای کار مقارن

جمعیت

رشد قدرت بارآور، در مقایسه با بخش متغیر، همسان رشد بخش ثابت

سرمایه است

کار دورریختنی

ترکیب کار

^۵. برای بررسی جزییات این طرح مشروح، لطفاً نگاه کنید به مجموعه‌ی آثار، جلد ۲۹، صص. ۵۱۷-

پنج: ارزش اضافی مطلق
 زمان کار مطلق و ضروری
 ارزش اضافی. جمعیت مازاد
 کار مازاد و کار ضروری

شش: ارزش اضافی نسبی
 همکاری در سطح وسیع
 تقسیم کار

هفت: ماشین آلات
 قیمت کالاها (پرودون)
 انباشت بدوی

هشت: کار دستمزدی و سرمایه
 بازتولید کارگر توسط دستمزد
 مرزهای خود-الفاگر تولید سرمایه داری
 اقتصاد واقعی

۲ - گردش سرمایه
 فرایند ارزش زایی سرمایه، هم هنگام فرایند ارزش زدایی آن است
 تضادها

رقابت سرمایه‌ها
 سرمایه به‌مثابه‌ی فرایند، وحدت تولید و ارزش‌زایی است
 گرایش تمدن‌زای سرمایه
 تضاد بین تولید و ارزش‌افزایی

استحاله‌ی پول به سرمایه
 گردش سرمایه
 فرایند تولید، فرایند گردش
 سرمایه‌ی راکد
 زمان متفاوت تولیدی
 بازگشت سرمایه
 هزینه‌ی گردش
 زمان گردش
 کالا، پول، و سرمایه‌ی صنعتی
 سرمایه‌ی پایا و سرمایه‌ی درگردش
 تعیین سه گانه‌ی عام گردش
 دوام سرمایه‌ی پایا
 میانگین بازگشت سرمایه
 تعیین زمان بازتولید توسط ارزش مصرف کالا

۳ - سرمایه و سود

نرخ سود و ارزش اضافی

سرمایه و سود

رشد سرمایه به همراه افزایش قدرت بارآور، به طوری که همان حجم از کار

را به کار گیرد

ریسک. بهره. هزینه‌ی تولید

دستمزدها و سود، شکل‌های تولید، و از این رو، توزیع

۴ - مطالب گوناگون

تعریف سرمایه
 کار مولد و غیرمولد
 کشاورزی، مالکیت ارضی و سرمایه
 بازار
 زمینه های سود
 هزینه ها و پیش‌ریخته‌های سرمایه‌داران
 پرودون و بهره
 سرمایه‌ی مالی
 باستیا... ریکاردو... مالتوس... اسمیت... سنیر... مک کلوخ
 کار دستمزدی و بردگی. استوارت»

همان‌گونه که از طرح‌واره‌ی بالا برمی‌آید، افق نظری مارکس چنان گسترده و همه‌جانبه است که گردآوری و سازماندهی آن به سال‌ها تلاش نیاز داشت. با وجود این، مارکس ناگهان کار روی نقد را متوقف می‌کند. در آخرین نامه‌ای که در این سال در دسترس است (۲ فوریه ۱۸۶۰)، مارکس ابراز امیدواری می‌کند که «مشغول کار روی *کاپیتال* هستم که چنانچه با جدیت دنبال کنم، تا شش هفته‌ی دیگر تمام خواهد شد.» (آثار، ۴۱:۲۳) اما به‌جای اتمام کتاب، حدود یک سال تمام، نگارش و بحث حول اثر جنجالی و جدلی *جناب ووگت* به کانون اصلی توجه او تبدیل می‌گردد. بالاخره مارکس در سال ۱۸۶۱ با خلاصه‌برداری از دفترها و دست‌نوشته‌های خود، به‌ویژه فصل‌هایی از *گروندریسه* درباره‌ی 'سرمایه'، کار نگارش را از سر می‌گیرد.

نخستین پیش‌نویس *کاپیتال*: دست‌نوشته‌های ۶۳-۱۸۶۱

مارکس در ماه اوت ۱۸۶۱ کار منظم بر روی نقد اقتصاد سیاسی را با جدیت شروع می‌کند. این دست‌نوشته‌های عظیم که حدوداً به ۱۵۰۰ صفحه گسترش یافتند، شامل

۲۳ دفتر یادداشت است.^۶ «سهمی بر نقد اقتصاد سیاسی»، عنوانی است که مارکس برای آنها برگزیده بود و دو دفتر اول را «فصل سوم؛ سرمایه‌ی عام» نامیده بود. تردیدی نیست که انگیزه‌ی اصلی مارکس، حتی تا اواخر سال ۱۸۶۲، کماکان تکمیل کردن همان «فصل سوم» تقد بود. او در نامه‌ای به تاریخ ۲۸ دسامبر ۶۲ به کوگلمان می‌نویسد: «اکنون پاره‌ی دوم بالاخره تمام شده است، به‌جز پاکنویس و تمیزکاری آن برای انتشار. این ادامه‌ی پاره‌ی اول است ولی به‌طور جداگانه تحت عنوان **کاپیتال**، که **نقد اقتصاد سیاسی** صرفاً زیرعنوان آن است. درواقع صرفاً به موضوعی که فصل سوم پاره‌ی اول باشد، یعنی، 'سرمایه‌ی عام'، مرتبط است.» (آثار، ۴۱:۴۳۵)

در عین حال، بین سال‌های ۶۱ تا ۶۳، کار مارکس هفته‌های متمادی به‌دلیل بیماری‌های متعدد، از جمله ورم کبد و دمل‌های عفونی که از اواخر دهه‌ی ۵۰ شروع شده بود، به تعویق می‌افتد. گهگاه حتی توان نامه‌نگاری را هم از دست می‌دهد. جنی مارکس در نوامبر ۱۸۶۳ به انگلس می‌نویسد: «متأسفانه خودِ کارل نمی‌تواند بنویسد. طی هفته‌ی گذشته بسیار ناخوش بوده است... می‌توانی تصور کنی که انجام این کار تا چه حد باعث افسردگی اوست. به نظر می‌رسد که این کتاب لعنتی هرگز به پایان نخواهد رسید.» (آثار، ۴۱:۵۸۴) خودِ مارکس نیز در ۲۸ آوریل ۶۲ به لاسال می‌نویسد: «درباره‌ی **کتاب من**؟ اتمام آن ۲ ماه دیگر طول می‌کشد. طی سال گذشته، برای این که از گرسنگی نمیرم، مجبور بودم به کارهای پرزحمتی دست بزنم^۷ و گاهی هفته‌ها بدون این که قادر به افزون حتی یک 'خط' باشم. درضمن من عادت عجیبی دارم که در هر چیز که نوشته باشم و یک ماهی به آن نگاه نکرده باشم، خطاهایی پیدا می‌کنم، به‌طوری که مجبورم در آن به کلی تجدیدنظر کنم.» (آثار، ۴۱:۳۵۶) سپس در نامه‌ی

^۶ کلیه‌ی این دست‌نوشته‌ها در مجموعه‌ی آثار مارکس و انگلس به انگلیسی در مجلدهای ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳ و ۳۴ قابل دسترسی هستند.

^۷ احتمالاً اشاره‌ی مارکس به مقاله‌نویسی برای «نیویورک دیلی تریبون» است. هریک از آن مقاله‌ها نیازمند پژوهش منابع متعددی بودند. گهگاه یا به علت بیماری و یا کار روی *کاپیتال*، مقاله‌های «تریبون» را به انگلس واگذار می‌کرد که زیر نام مارکس منتشر می‌گشتند.

دیگری به لاسال در ۷ نوامبر ۶۲ می‌گوید: «۶ هفته است که ابدأ نتوانسته‌ام روی کتابم کار کنم و الان تازه شروع به کار کرده‌ام، اما با انقطاع. به‌هرحال اطمینان دارم که به‌زودی به پایان برسد.» (۴۱:۴۲۶)

به‌هرحال، به‌رغم کلیه‌ی مشقات، مارکس در ۲۱ ژوئیه ۶۲ به انگلس اطلاع می‌دهد که «من مثل یک تروا درحال کار روی کتاب کار هستم.» (آثار، ۴۱:۳۸۴) در واقع در ماه مارس همان‌سال بود که مارکس مشغول نگارش «تاریخ تئوری» شده بود - دست‌نوشته‌های وسیعی که بعدها به «نظریه‌های ارزش اضافی» موسوم شدند. در گرماگرم نگارش «تاریخ تئوری»، مارکس پیش‌نویس طرح‌های تازه‌ای را پیرامون بخش‌های اول، دوم و سوم کاپیتال به قلم می‌کشد:

[پیش‌نویس طرح‌های پاره‌ی اول و سوم کاپیتال]

فرایند تولید سرمایه

۱ - مقدمه. کالا. پول

۲ - استحال‌ه‌ی پول به سرمایه

۳ - ارزش اضافی مطلق.

یکم: فرایند کار و فرایند تولید ارزش اضافی.

دوم: سرمایه ثابت و سرمایه متغیر.

سوم: ارزش اضافی مطلق.

چهارم: مبارزه برای روز کار متعارف.

پنجم: روزهای کار متقارن (تعداد کارگرانی که هم‌زمان به‌کار مشغولند). مقدار

ارزش اضافی و نرخ ارزش اضافی (مقدار و حد؟)

۴ - ارزش اضافی نسبی

یکم: هم‌کاری ساده.

دوم: تقسیم کار.

سوم: ماشین‌آلات و غیره.

از «گروندریسه» تا «کاپیتال»

- ۵ - ترکیب ارزش اضافی مطلق و نسبی. رابطه (نسبت) بین کار دستمزدی و ارزش اضافی. جذب صوری و واقعی کار در سرمایه. بارآوری سرمایه. کار مولد و غیر مولد.
- ۶ - تبدیل مجدد ارزش اضافی به سرمایه. انباشت بدوی. نظریه‌ی استعمار ویکفیلد.
- ۷ - نتیجه‌ی فرایند تولید (یا زیر شماره‌ی ۶ یا ۷ می‌تواند تغییر در شکل قانون تصرف را نشان داد).
- ۸ - نظریه‌های ارزش اضافی.
- ۹ - نظریه‌های کار مولد و غیرمولد.

[پیش‌نویس طرح قسمت سوم از پاره‌ی سوم کاپیتال]

قسمت سوم، «سرمایه و سود»، به ترتیب زیر تقسیم شود:

- ۱ - تبدیل ارزش اضافی به سود. نرخ سود در تفکیک از نرخ ارزش اضافی.
- ۲ - تبدیل سود به میانگین سود. شکل‌گیری نرخ عام سود.
- ۳ - نظریه‌های آدام اسمیت و ریکاردو پیرامون سود و قیمت‌های تولید.
- ۴ - اجاره (توضیح تفاوت بین ارزش و قیمت تولید).
- ۵ - تاریخ به‌اصطلاح قانون اجاره‌ی ریکاردو.
- ۶ - قانون افت نرخ سود. آدام اسمیت، ریکاردو، کری.
- ۷ - نظریه‌های سود. (پرسش: آیا سیسموندی و مالتوس هم باید در نظریه‌های ارزش اضافی منظور شوند.)
- ۸ - تقسیم سود به سود صنعتی و بهره. سرمایه‌ی تجاری. سرمایه‌ی مالی.
- ۹ - درآمد و منابع آن. مسأله‌ی رابطه‌ی بین فرایند تولید و توزیع نیز در اینجا افزوده شود.
- ۱۰ - بازگشت حرکت پول در کلیت فرایند تولید.
- ۱۱ - اقتصاد عامیانه.

۱۲ - نتیجه گیری. سرمایه و کار دستمزدی.

[پیش‌نویس طرح فصل دوم از پاره‌ی سوم کاپیتال]

در فصل دوم از پاره‌ی سوم، پیرامون «سرمایه و سود»، درجایی که به شکل‌گیری نرخ عام سود پرداخته شده است، نکات زیر باید ملاحظه شود:

۱ - تفاوت ترکیب ارگانیک سرمایه، که بخشاً توسط تفاوت بین سرمایه‌ی متغیر و ثابت مشروط می‌شود که برخاسته از **مرحله‌ی تولید** است - از یک سو رابطه‌ی کمی مطلق بین ماشین‌آلات و مواد خام، و کمیت کاری که به جریان افتاده است. این تفاوت‌ها با فرایند کار ارتباط دارند. تفاوت بین سرمایه‌ی پایا و سرمایه‌ی در گردش که از فرایند گردش ناشی می‌شود در نظر گرفته شود - تفاوت‌هایی که به تغییراتی در افزایش ارزش در یک مدت زمان معین، و بین عرصه‌های مختلف، منجر می‌شوند.

۲ - تفاوت‌ها در ارزش نسبی بخش‌های مختلف سرمایه که از ترکیب ارگانیک آنها ناشی نمی‌شوند. آنها به‌ویژه از ارزش مواد خام ناشی می‌شوند، حتی اگر فرض کنیم مواد خام در دو عرصه‌ی متفاوت، کمیت برابری از کار را جذب می‌کنند.

۳ - نتیجه‌ی آن تفاوت‌ها در تنوع نرخ سود در عرصه‌های مختلف تولید سرمایه‌داری. این فقط درباره‌ی سرمایه‌هایی که ترکیبی همسان دارند و غیره، صدق می‌کند، که در آن‌ها نرخ سود برابر است و کمیت سود متناسب با حجم سرمایه‌ای که به کار گرفته شده است.

۴ - اما برای کل سرمایه، آنچه در فصل اول تشریح شده است، صدق می‌کند. در تولید سرمایه‌داری، هر سرمایه‌ای یک واحد فرض می‌شود، جزء مشخصی از کل سرمایه. شکل‌گیری نرخ عام سود (رقابت).

۵ - استحالته‌ی ارزش‌ها به قیمت‌های تولید. تفاوت بین ارزش، هزینه-قیمت، و قیمت تولید.

۶ - پرداختن به نظرگاه ریکاردو: تأثیر تغییرات عام در دستمزدها بر نرخ سود و ازاین‌رو، قیمت‌های تولید.

(نظریه‌های ارزش اضافی، پاره‌ی دوم، صص. ۴۱۶-۴۱۴)

مقایسه‌ی این طرح‌های نسبتاً پخته با طرحی که مارکس دو سال قبل ترسیم کرده بود، به وضوح نشان‌گر آن است که مارکس طی این دو سال، راه درازی را پیموده است. تردیدی نیست که مضامین این دست‌نوشته‌ها از آنچه «فصل سوم» از پاره‌ی دوم نقد بود، بسیار فراتر رفته‌اند. از این‌رو، آنچه با نگاهی بیرونی، در ابتدا کماکان ادامه‌ی نقد به نظر می‌رسید، به یک اثر کاملاً جدید، به *کاپیتال*، تکامل پیدا می‌کند. طبعاً در این دست‌نوشته‌ها، هم در محتوا، و هم در شکل و ساختمان کتاب، تحولی اساسی صورت گرفته است. بررسی دقیق این طرح‌ها نشان می‌دهد که مارکس بسیاری از مقولات بنیادین و بدیع خود را پرورش داده است؛ مقولاتی چون ترکیب ارگانیک سرمایه، و تفکیک آن به سرمایه‌ی ثابت و متغیر، نظریه‌های ارزش اضافی (ارزش اضافی نسبی و مطلق، نرخ ارزش اضافی، تفکیک ارزش و قیمت، والخ.) با این‌حال، مسیر رشد نظری او و طرحی منسجم از *کاپیتال*، هنوز به کمال نرسیده است. کماکان پرسش‌های متعددی وجود داشتند که نیازمند پاسخ‌گویی بودند؛ از جمله فیصله دادن به مسأله‌ی اجاره‌ی زمین ریکاردو و نیز مسأله‌ی ماشین‌آلات.

همانطور که مارکس در نامه به انگلس (۲۶ ژانویه ۱۸۶۳) تصریح می‌کند: «درباره‌ی قسمتی از کتاب که به ماشین‌آلات می‌پردازد تردیدهای بسیاری دارم. من تاکنون قادر به فهم این موضوع نشده‌ام که ماشین خود-کار چگونه ریسندگی را تغییر داد، یا به عبارت دیگر، از آن‌جا که از نیروی بخار پیش از آن استفاده می‌شد، چگونه ریسنده - به‌رغم نیروی بخار - می‌بایست با نیروی محرکه‌ی خودش دخالت کند.» (آثار، ۴۱:۴۴۶) دو روز بعد در نامه‌ی دیگری به انگلس می‌نویسد: «درحال افزودن مطالبی به بخش ماشین‌آلات هستم. مسائل عجیب‌وغریبی وجود دارند که در ابتدا به آن‌ها نپرداختم. برای روشن شدن این موارد، تمام دفترهایم (گزیده‌ها) را درباره‌ی فناوری بازخوانی کرده و همچنین در یک دوره‌ی عملی (صرفاً تجربی) برای کارگران حضور دارم که پروفیسور ویلیس (در خیابان جرمین، مؤسسه‌ی زمین‌شناسی، همان‌جا که هاکسلی هم درس می‌داد) برگزار کرده. علم مکانیک برای من تقریباً همان معضلات زبان را ایجاد می‌کند. قوانین ریاضی را درک می‌کنم، اما ساده‌ترین واقعیت فنی که

نیازمند دانش بصری است، از پیچیده‌ترین ترکیب‌ها برایم دشوارتر است.» (آثار، ۴۱:۴۴۸)

باین‌حال، همان‌طور که از نامه‌های ۲۹ مه و ۱۵ اوت به انگلس برمی‌آید (آثار، ۴۱:۴۷۴)، ظاهراً کار دست‌نوشته‌ها به پایان رسیده و آنچه باقی مانده بود صرفاً تهیه‌ی «نسخه‌ای تمیز برای ناشر» است. اما مارکس به‌عوض انتشار، بلافاصله مجدداً مشغول نگارش می‌شود. آنچه «لیس زدن بچه»، یعنی کار پاک‌نویس بود، به «دست‌نوشته‌های ۶۵-۱۸۶۳» تبدیل می‌گردد که بین تابستان ۶۳ تا دسامبر ۶۵ می‌نویسد.

دومین پیش‌نویس کاپیتال: دست‌نوشته‌های ۶۵-۱۸۶۳

در سال ۱۸۶۴، نامه‌های معدودی از مارکس درباره‌ی کاپیتال به‌جا مانده است. سال ۶۴، درعین‌حال، سال بیماری‌های متعدد مارکس و تأسیس «سازمان بین‌المللی کارگران» است که مسئولیت نگارش کلیه‌ی مبانی نظری و سمت‌گیری آن، به عهده‌ی مارکس بود. بیشتر مکاتبات مارکس در این سال به «بین‌الملل» و فعالیت‌های آن مربوط می‌شوند. مارکس در نامه‌ای به کلینگ در چهار اکتبر ۱۸۶۴، به او اطلاع می‌دهد که «من طی سال گذشته مریض بوده‌ام (مبتلا به کفگیرک و دمل). اگر چنین نبود، اثر من درباره‌ی اقتصاد سیاسی، کاپیتال، تاکنون منتشر شده بود. اکنون امیدوارم تا چند ماه دیگر آن را بالاخره کامل کنم، و به بوژوازی چنان ضربه‌ای واردکنم که هرگز نتواند بهبود پیدا کند.» (آثار، ۳:۴۲) او در نامه‌ای به انگلس در اول ماه مه ۶۵ از او عذرخواهی می‌کند که مدتی است با او مکاتبه نداشته است. «من بسیار بیش از کار می‌کنم، ازسویی تکمیل کردن کتابم، و از سوی دیگر 'سازمان بین‌المللی'، زمان بسیار زیادی می‌طلبد.» (آثار، ۱۴۹:۴۲) سپس در نامه‌ی دیگری در ۹ مه به او اطلاع می‌دهد که «امیدوارم تا اول سپتامبر (باوجود بسیاری بازنویسی‌ها) صیقلی نهایی بدهم. باینکه هنوز سلامت نیستم، کار به‌خوبی پیش می‌رود.» (آثار، ۱۵۴:۴۲)

مارکس در ۳۱ ژوئیه به انگلس می‌نویسد: «در ارتباط با اثرم. حقیقت صاف و ساده‌ی کارم را به تو می‌گویم. هنوز برای اتمام قسمت نظری (سه کتاب اول)، باید سه فصل دیگر را بنویسم. کتاب چهارم، که تاریخی-ادبی است، باید نگاشته شود که نسبتاً

ساده‌ترین بخش است، چراکه کلیه‌ی مسایل در سه کتاب اول حل شده‌اند، به طوری که کتاب آخری بیشتر جنبه‌ای تکراری دارد اما به شکلی تاریخی. اما من نمی‌توانم آن را برای انتشار ارسال کنم مگر آن که کل اثر در برابر دیدگانم باشد. **صرف نظر از هر کمبودی**، برتری کارهای من در این است که یک کلیت هنری را تشکیل می‌دهند، و چنین کاری فقط موقعی میسر است که تا وقتی **کلیت آن** پیش رویم نباشد، هرگز چیزی را منتشر نکنم. برای چنین کاری، روش ژاکوب گرایم [مؤلف واژه‌نامه‌ی آلمانی] غیرممکن است و به درد کتاب‌هایی می‌خورد که ساختمانی دیالکتیکی نداشته باشند.» (آثار، ۱۷۲:۴۲)

درواقع، مارکس علی‌رغم بیماری و فعالیت پیگیر در «بین‌الملل»، سخت مشغول نگارش است. دست‌نویس‌های او بالغ بر ۱۲۰۰ صفحه است که شامل هر سه جلد **کاپیتال** است. برای نخستین بار «**کلیت آن**» پیش روی او بود و طرح کامل **کاپیتال** پی‌ریزی شده بود. این دست‌نوشته‌ها در بردارنده‌ی پیش‌نویس‌های مجلدهای دوم و سوم **کاپیتال** است. کل این دست‌نوشته‌ها به زبان اصلی و بدون هیچ دخل و تصرفی، در مگای ۲، مجلد ۲/۴، کتاب‌های ۱، ۲ و ۳، در سال ۱۹۸۸ منتشر شدند و در لینک زیر قابل دسترسی هستند.^۸ متأسفانه از کتاب اول «دست‌نوشته‌های ۶۵-۶۳» به‌غیر از فصل ششم^۹، «نتایج فرایند بلا فصل تولید»، و قطعاتی پراکنده و چندین زیرنویس جداگانه، چیز دیگری به‌جا نمانده است. کل این کتاب حدود ۵۰۰ صفحه است که به ۶ فصل زیر تقسیم شده است:

۱ - استحال‌هی پول به سرمایه

۲ - ارزش اضافی مطلق

۳ - ارزش اضافی نسبی

۴ - ترکیب هر دو ارزش اضافی و مسأله‌ی دستمزدها

^۸ <http://telota.bbaw.de/mega/>

^۹ نویسنده‌ی متن حاضر، کل این فصل، قطعه‌ها و زیرنویس‌های باقی‌مانده را به‌طور کامل به فارسی برگردانده است. امید می‌رود که در آینده‌ی نزدیک منتشر شوند.

۵ - انباشت

۶ - نتایج فرایند بلافصل تولید سرمایه

مارکس فصل نهایى کتاب را به قسمت‌های زیر تقسیم می‌کند:

۱ - کالاها به مثابه‌ی محصول سرمایه

۲ - تولید سرمایه‌داری به مثابه‌ی تولید ارزش اضافی

یکم: جذب صورتی کار در سرمایه

دوم: جذب واقعی کار در سرمایه، یا شیوه‌ی مشخص تولید سرمایه‌داری

سوم: کار مولد و غیرمولد

چهارم: راز آمیزی سرمایه

۳ - محصول تولید سرمایه‌داری نه فقط ارزش اضافی، بلکه سرمایه است

(مجموعه‌ی آثار، جلد ۳۴، صص. ۳۳۹ تا ۴۷۱)

مارکس بلافاصله پس از زیرعنوان اول یادآوری می‌کند که: «در نسخه‌ی نهایى پیش از انتشار، از این ۳ عنوان، شماره‌ی ۱ را باید در آخر، نه در ابتدا، قرار داد، چرا که گذار به کتاب دوم، فرایند گردش سرمایه، را شکل می‌دهد. اما در این جا به خاطر سهولت با آن شروع می‌کنیم.» لازم به تأکید است که هیچ‌یک از دست‌نویس‌های پیشین مارکس، حتی پیش‌نویس نهایى ۱۸۶۶، شامل مبحثی جداگانه درباره‌ی «کالا» نبودند. همه‌ی آنها با «استحاله‌ی پول به سرمایه» شروع شده بودند. به احتمال قوی، مارکس به زعم خود این مبحث و نیز مبحث «پول» را در تقد پرورش داده بود. اما یکم، اکنون حدود هشت سال از انتشار تقد گذشته بود، و دوم، به قول خود مارکس «ضروری بود که کتاب اول را از نو شروع کنم، یعنی کتابی را که دونکر منتشر کرده بود در یک فصل کالا و پول خلاصه کنم. من این کار را صرفاً به خاطر تکمیل کردن ضروری ندیدم بلکه از آن جهت که حتی افراد هوشمند نیز مسئله را به‌درستی نفهمیده بودند. به بیان دیگر، قطعاً در بازنمایی اول، به‌ویژه در مورد تحلیل کالاها، کاستی‌هایی وجود داشته است.» (نامه به انگلس، ۹ ژوئیه‌ی ۱۸۶۶، آثار، ۴۲:۲۸۲)

بنا به گفته‌ی خود مارکس، «این کتاب لعنتی... در آخر دسامبر تمام شده بود... با این که دست‌نوشته تمام شده است (در شکل کنونی بسیار پر حجم است) برای هیچ کس

به جز خودم، حتی تو، قابل فهم نیست.» (نامه به انگلس، ۱۳ فوریه ۶۶، آثار، ۴۲:۲۲۷)
 همان طور که از این نامه برمی آید، مارکس ظاهراً حتی پس از اتمام دست نوشته های
 ۶۳-۶۵، هنوز از نتیجه ی کار خود راضی نیست. از این رو، بلافاصله مشغول بازبینی و
 «اصلاح سبک» کتاب می شود. حاصل چنین کاری، متن «نهایی» نخستین ویراست
 جلد اول کاپیتال است.

نخستین ویراست کاپیتال: ۱۸۶۷

مارکس در دسامبر ۱۸۶۵، بلافاصله پس از نگارش پیش نویس های ۶۳-۶۵، مشغول
 بازنویسی، و ویرایش کتاب اول می شود، کاری که تا سپتامبر ۱۸۶۷ طول می کشد. در
 واقع، مارکس در ۲۱ مارس با ناشر کتاب، اوتو میسنر، ۱۸۶۵ قرارداد انتشار را بسته
 بود. در آن قرارداد قید شده بود که نویسنده تا اواخر ماه مه همان سال دستنویس هایش
 را به ناشر تحویل دهد. بند اول قرارداد تأکید می کند که این اثر در دو جلد منتشر شود.
 در دسامبر ۶۶، مارکس بخشی از دست نوشته ها را برای ناشر پست می کند و چند ماه
 بعد برای ملاقات او به همراه باقی دست نوشته ها به هامبورگ سفر می کند. او در آن
 ملاقات میسنر را متقاعد می سازد که ابتدا جلد اول را منتشر کند و توافق می کند که
 تا پاییز سال جاری جلد دوم را به او تحویل دهد. اما همانطور که مارکس به انگلس
 توضیح می دهد: «به خاطر سلامتی ام که شده، باید دست نگه دارم.» (۱۹ ژانویه ۶۷،
 آثار، ۴۲:۳۴۳)

نخستین ویراست کتاب اول، همانند پیش نویس قبلی، شامل شش فصل بود. اما
 متنی که مارکس به میسنر ارسال کرده بود صرفاً شامل ۵ فصل بود که با فصل دوم،
 «استحاله ی پول به سرمایه»، آغاز شده بود. در فاصله ی زمانی ارسال دستنویس ها تا
 انتشار، مارکس فصل اول، «کالا و پول» را تکمیل کرده، و سپس در ماه ژوئیه،
 پیش گفتار آن را به قلم می کشد. (آثار، ۴۲:۴۰۵) مارکس در ۱۳ اوت ۶۶، در نامه ای به
 کوگلمان توضیح می دهد که: «ضروری بود کتاب را از نو شروع کنم، یعنی کتابی که
 دونکر [ناشر نقد] منتشر کرده بود را در یک فصل کالا و پول خلاصه کنم. من این کار
 را صرفاً به خاطر تکمیل کردن ضروری ندیدم، بلکه از آن جهت که افراد هوشمند نیز

مسئله را به درستی نفهمیده بودند. به بیان دیگر، مطمئناً در بازنمایی اول، به ویژه در مورد تحلیل کالاها، کاستی‌هایی وجود داشت.» (آثار، ۴۲:۳۲۷) درعین حال، بنا به درخواست کوگلمان، بین ماه‌های آوریل تا ژوئیه، ضمیمه‌ای نیز زیرعنوان «شکل ارزش» به کتاب اضافه می‌کند. سپس در ۲۳ اوت ۶۷ به انگلس گزارش می‌دهد که «ضمیمه‌ی کتاب در باره‌ی «شکل ارزش» را هم تمام کرده و به ناشر فرستاده است. مارکس پیش‌تر به انگلس نوشته بود که «تا آخر اوت کتاب را تمام خواهد کرد»، اما برای نخستین بار بازگو می‌کند که جلد اول را جداگانه منتشر خواهد کرد. (۹ ژوئیه ۶۶، آثار، ۴۲:۲۸۲) آن‌گاه برای بار نخست در نامه‌ای به کوگلمان از ساختمان دقیق کل کاپیتال بازنمایی می‌کند: «کل اثر به اجزای زیر تقسیم می‌شود:

- کتاب اول، فرایند تولید سرمایه
- کتاب دوم، فرایند گردش سرمایه
- کتاب سوم، صورت‌بندی‌های کل فرایند
- کتاب چهارم، تاریخ تئوری (آثار، ۴۲:۳۲۷)

سپس اضافه می‌کند که «جلد نخست شامل کتاب اول و دوم است، و کتاب سوم، جلد دوم، و [کتاب] چهارم شامل جلد سوم است.» در ۱۱ نوامبر ۶۶، به انگلس خبر می‌دهد که «هفته‌ی دیگر بالاخره اولین دسته از دست‌نوشته‌ها را برای میسنر می‌فرستم.» (آثار، ۴۲:۳۳۲) باعث شگفتی است که مارکس چگونه در ظرف ۶ ماه پیش‌نویس «نهایی» کل جلد نخست را نگاشته و ویراسته می‌کند!

گاه‌شمار نخستین ویراست کاپیتال:

- ۱ - از ژانویه ۱۸۶۶ تا اوایل ۱۸۶۷: فصل‌های ۲ تا ۶؛
- ۲ - اوایل ۶۷ تا ژوئیه ۶۷: فصل ۱، «کالا و پول»؛
- ۳ - آوریل تا ژوئیه ۶۷: ضمیمه‌ی «شکل ارزش»؛
- ۴ - ۱۷ ژوئیه ۶۷: پیش‌گفتار ویراست نخست؛
- ۵ - از ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۳: ویراست دوم به همراه پی‌گفتار؛

سرانجام در ۱۴ سپتامبر ۱۸۶۷، جلد اول *کاپیتال* در ۱۰۰۰ نسخه از چاپ خارج می‌شود. همانطور که مارکس پیشتر به انگلس گفته بود، روزی که این کتاب منتشر شود «تا ابد خواهم نوشید، چه بهتر که تو هم روز بعدش بیایی اینجا و با هم کار را فیصله دهیم.» (۵ اوت ۱۸۶۵، *آثار*، ۴۲:۱۷۴) اما کار روی *کاپیتال* ابدأ با انتشار ویراست اول به پایان نمی‌رسد و مارکس تا آخر عمر (۱۸۸۳) از دست «این کتاب لعنتی» خلاص نمی‌شود. در واپسین نامه‌ای که مارکس در ۱۰ ژانویه ۱۸۸۳ به انگلس می‌نویسد، توضیح می‌دهد که به دلیل بیماری (سرفه‌های شدید، حالت تهوع روزانه) «تاکنون قادر به تجدیدنظر [در ویراست سوم آلمانی] نبوده‌ام. اما باور دارم با کمی بردباری و خود-سامان‌دهی جدی، به‌زودی باردیگر به مسیر بازگردم.» (*آثار*، ۴۶:۴۲۴) این که جلدهای بعدی *کاپیتال* به چه سرنوشتی دچار شدند و چرا در زمان حیات مارکس تکمیل و منتشر نگردیدند، موضوعی بغرنج است که از چارچوب نوشته‌ی کنونی فراتر می‌رود.

۶ - سپتامبر ۱۸۷۲ تا نوامبر ۱۸۷۵: ویراست فرانسوی به‌همراه یک پی‌گفتار و

یک پیش‌گفتار. ۱۰

منابع

- Karl Marx, Frederick Engels, *Collected Works*, Volumes 28, 29, 30, 31, 32, 33, 34, 40, 41, 42 & 46.
- Lawrence & Wishart, *Electric Book*, 2010.
- Karl Marx, *Grundrisse*, Vintage Books, New York, 1973.
- Karl Marx, *Capital*, Volume I, Vintage Books, New York, 1977.
- Karl Marx, *Capital*, Volume II, Vintage Books, New York, 1981.

^{۱۰} برای شرح نسبتاً کاملی از یادداشت‌های مارکس برای ویراست سوم آلمانی، و نیز دست‌نوشته‌های مجله‌های دوم و سوم، و زمان نگارش آنها، لطفاً رجوع کنید به پیش‌گفتار انگلس بر جلد دوم *کاپیتال*.

- Karl Marx, *Theories of Surplus Value*, Part II, Progress Publishers, 1968.